

## فرهنگ و فرزندآوری:

### بررسی تمایلات باروری زنان کُرد شهر مهاباد

حاتم حسینی\*

بلال بگی\*\*

#### چکیده

در طول چند دهه‌ی گذشته، تغییرات جمعیت‌شناختی گسترده‌ای در جامعه‌ی ایران رخ داده و باروری کاهش بی‌سابقه‌ای داشته است، به طوری که امروزه میزان باروری در بیشتر مناطق کشور کمتر از سطح لازم برای جایگزینی نسل‌هاست. بی‌تردید، هرگونه برنامه‌ریزی و اقدام عملی برای جلوگیری از کاهش بیشتر باروری در میان خانواده‌ها، مستلزم بررسی تمایلات فرزندآوری زنان و عوامل و تعیین‌کننده‌های آن در مناطق مختلف ایران است. هدف از این مقاله بررسی تمایلات فرزندآوری زنان کُرد همسر دار ساکن شهر مهاباد است. داده‌ها با استفاده از پیمایش انجام شده در میان ۷۰۰ خانوار نمونه‌ی شهر مهاباد در فروردین ماه ۱۳۹۱ گردآوری شده است. نتایج نشان می‌دهد که ۶۱/۴ درصد زنان قصد بر توقف فرزندآوری دارند. بررسی تمایلات فرزندآوری زنان بر حسب شمار فرزندان در حال حاضر زنده‌ی آنها گویای آن است که ۳۹/۳ درصد زنان بدون فرزند یا با یک فرزند، ۷۷/۷ درصد زنان صاحب دو تا سه فرزند و ۱۶ درصد زنان صاحب بیش از سه فرزند تمایل ندارند که فرزند دیگری داشته باشند. تحلیل‌های دو متغیره نشان داد که تفاوت معنی‌داری بر حسب تمایلات فرزندآوری در میان زنان با ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی، جمعیتی و فرهنگی متفاوت وجود دارد. نتایج تحلیل چند متغیره حاکی است که مشخصه‌های فرهنگی به تنهایی نمی‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در پیش‌بینی احتمال تمایل نداشتن به فرزندآوری داشته باشند. در واقع، ترکیبی از مشخصه‌های فرهنگی، اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی تبیین بهتری از تمایلات فرزندآوری زنان به دست می‌دهد. بر اساس این یافته‌ها باید گفت که در سیاست‌گذاری‌های جمعیتی جدید، سیاست‌های تشویقی برای افزایش مولد عمدتاً بایستی معطوف و متمرکز بر زنان ازدواج‌کرده‌ی بی‌فرزند یا صاحب یک فرزند باشد.

#### واژگان کلیدی

فرهنگ باروری، تمایلات فرزندآوری، زنان کُرد، مهاباد.

\*- استادیار جمعیت‌شناسی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، h-hosseini@basu.ac.ir

\*\*- کارشناس ارشد پژوهش اجتماعی، Belal.Bagi@gmail.com

## ۱- مقدمه و طرح مسئله

شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه در بسیاری از نقاط جهان نوعی تغییر اساسی در نگرش افراد نسبت به ازدواج، فرزندآوری و برخی از الگوهای تاریخی حاکم بر خانواده اتفاق افتاده است. تغییر در ایستارهای مربوط به زندگی خانوادگی، نقشی تعیین کننده در روندهای جمعیت‌شناختی داشته است (عبّاسی شوازی و عسکری ندوشن ۱۳۸۴: ۷۵-۲۵). در ایران نیز طی سه دهه‌ی گذشته، باروری کاهش چشمگیری یافت. این کاهش باروری به طور همزمان در همه‌ی مناطق جغرافیایی و گروه‌های سنی تولید مثل صورت گرفت (Abbasi-shovazi & Mcdonald 2005; Ibid 2006: 217-237). بر اساس بررسی‌های انجام شده در طول دوره‌ی گذار باروری در ایران، گروه‌های قومی و استانی‌های ناهمگن از نظر قومی و مذهبی سطوح متفاوت اما روندهای باروری مشابهی با سطوح و روندهای ملی باروری و اکثریت فارس تجربه کرده‌اند (Abbasi-shovazi & Hosseini 2008) هر چند برنامه‌ی تنظیم خانواده نقش مؤثری در سرعت کاهش باروری و استمرار آن از نیمه‌ی دهه‌ی ۱۳۶۰ به بعد داشته است، اما فرآیند گذار باروری متناسب با تحولاتی بوده است که در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و نیز برخی از ابعاد سنتی خانواده به وقوع پیوسته و به تغییراتی در ایستارهای مرتبط با ازدواج و در نهایت رفتارها، ایده‌آل‌ها و تمایلات فرزندآوری مردم منجر شده است (Ibid, حسینی و عبّاسی شوازی ۱۳۸۸: ۳۶-۳).

واقعیت‌های جمعیت‌شناختی امروز ایران نشان می‌دهد که هدف برنامه‌ی تنظیم خانواده در راستای کاهش باروری و تعدیل رشد سالانه‌ی جمعیت، زودتر از زمان پیش‌بینی شده محقق شده است (حسینی ۲۰۱۲). میزان خام مولید در سال ۱۳۹۰ به ۱۹ در هزار و نرخ رشد طبیعی سالانه‌ی جمعیت به ۱/۳ درصد در سال رسید (Population Reference Bureau 2011). امروزه، باروری پایین‌تر از سطح جایگزینی و یا بسیار نزدیک به سطح جایگزینی به ویژگی مسلط در جامعه‌ی ایران و مناطق مختلف آن تبدیل شده است (Hosseini-chavoshi & etal 2007:12). بنابراین، می‌توان گفت عملکرد برنامه‌ی تنظیم خانواده از هدف تعیین‌شده فراتر رفته است. در این شرایط، پرسش این است که آیا نباید اقداماتی برای جلوگیری از کاهش بیشتر باروری و ثبات باروری، دست‌کم در سطح جایگزینی، صورت بگیرد؟ پاسخ به این پرسش و اتخاذ هر گونه برنامه‌ی عمل در این باره، مستلزم انجام مطالعات زمینه‌ای با هدف آگاهی و شناخت از تمایلات فرزندآوری زنان است. بی‌تردید، توافق در آرمان‌ها و اهداف یکی از مقدمات ضروری برای هر نوع سیاست‌گذاری است. هدف، هر چه باشد، محقق نخواهد شد مگر اینکه یک سیاست و یا یک برنامه‌ی عمل در قالب یک سیاست جامع جمعیتی به اجرا گذاشته شود. اولین گام در فرمول‌بندی یک سیاست جمعیتی، تعیین و شناسایی دقیق وضعیت فعلی جمعیت است. با توجه به زمینه‌های متنوع قومی - فرهنگی جامعه‌ی ایران، تغییرات جمعیتی دهه‌های اخیر و ضرورت اتخاذ سیاستی مشخص در

زمینه‌ی باروری و آهنگ رشد جمعیت در آینده، آگاهی و شناخت از رفتارها، ایده‌آل‌ها و تمایلات فرزندآوری گروه‌های قومی و تعیین‌کننده‌های آن نقش مهمی در درک پویایی‌های جمعیت و روندهای آن خواهد داشت. بی‌توجهی به اهمیت تفاوت‌های قومی در نگرش‌ها، ایده‌آل‌ها و تمایلات باروری و پاسخ‌های متفاوت قومی به سیاست‌های جمعیتی دولت به یک ترکیب قومی متفاوت منجر خواهد شد که پیامدهای اقتصادی - اجتماعی و سیاسی مهمی در سطح منطقه‌ای و ملی خواهد داشت (حسینی و عباسی شوازی ۱۳۸۸: ۳۶-۳). از سوی دیگر، سیاست‌گذاری و اتخاذ هرگونه برنامه‌ی عمل برای افزایش سطح باروری، مستلزم بررسی همه‌جانبه و عمیق کنش‌های باروری زنان و تعیین‌کننده‌های آن است. بر این اساس، انجام مطالعات زمینه‌ای به منظور درک تمایلات فرزندآوری افراد و خانواده‌ها و عوامل و تعیین‌کننده‌های آن نقش مهمی در زمینه‌ی سیاست‌گذاری جمعیتی، دست‌کم در مقیاس محلی و منطقه‌ای، خواهد داشت. هدف اصلی این مقاله، بررسی تمایلات فرزندآوری زنان کُرد ساکن در شهر مهاباد و عوامل و تعیین‌کننده‌های آن است. در این راستا، تلاش می‌شود تا به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

(۱) تمایل به فرزندآوری در میان زنان کُرد شهر مهاباد چگونه است؟ آیا تمایلات فرزندآوری بر حسب شمار فرزندان در حال حاضر زنده‌ی زنان متفاوت است؟

۲) تمایلات فرزندآوری در میان زنان با ویژگی‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی چگونه است؟ آیا تفاوت‌ها از نظر آماری معنی‌دار است؟

۳) نقش عوامل فرهنگی در پیش‌بینی احتمال تمایل نداشتن به فرزندآوری چیست؟ با کنترل اثر مشخصه‌های اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی، چه تغییری در رابطه‌ی میان عوامل فرهنگی و تمایلات فرزندآوری به وجود می‌آید؟

## ۲- ملاحظات نظری

تبیین رفتارهای باروری و تغییرات آن زمینه‌ساز مباحثه‌های بسیاری میان صاحب‌نظران شده است. رویکردهای مخالف اصلی در این حوزه مبتنی بر تبیین‌های انتخاب عقلانی و ساختاری و هنجاری - فرهنگی است. نظریه‌های انتخاب عقلانی در سطح وسیعی دربرگیرنده‌ی نظریه‌ی کلاسیک گذار جمعیت‌شناختی، نظریه‌ی جریان ثروت بین نسلی، نظریه‌ی پاسخ چندوجهی، رویکرد تبیین نهادی، نظریه‌ی آستانه‌ی پیشنهاد شده توسط سازمان ملل در سال ۱۹۶۳، نظریه‌ی برابری جنسیتی، فرضیه‌ی مشخصه‌ها و تئوری‌های اقتصاد خرد است. بر اساس این نظریه‌ها، در مقاطع زمانی خاصی در تاریخ یک کشور یا منطقه، شرایط ساختاری مانند شهرنشینی، صنعتی شدن، توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی و مشخصه‌های اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی مثل سطح درآمد سرانه، مشارکت زنان در نیروی کار، سطح

تحصیلات به ویژه تحصیلات زنان، میزان مرگ‌ومیر اطفال، امید به زندگی در بدو تولد و ... فواید اقتصادی داشتن خانواده‌ی بزرگ و پُر حجم را کاهش می‌دهد (حسینی ۱۳۹۰: ۱۲۰ و ۱۲۱) و از طریق تأثیر در تمایلات فرزندآوری افراد و خانوارها، زمینه‌های کاهش باروری و کم‌فرزندآوری را فراهم می‌کنند.

از میان نظریه‌های انتخاب عقلانی و تبیین ساختاری، برای تبیین رفتارهای باروری گروه‌های قومی به فرضیه‌ی مشخصه‌ها استناد می‌شود. بر اساس این فرضیه، تمایلات فرزندآوری و در نتیجه رفتار باروری گروه‌های قومی به تفاوت‌های موجود در ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی و جمعیت‌شناختی زنان و همسران آنها نسبت داده می‌شود (Johnson 1979:1386, Spenshade and Ye 1994:98, Goldscheider and Uhlenberg 1969, Nai Peng 2002, Poston & etot 2006:67-110). در واقع، استدلال می‌شود در فرآیند نوسازی و گسترش ارتباط‌های اجتماعی، مرزبندی‌های قومی به هم می‌ریزد و در نتیجه‌ی همانندی<sup>۱</sup> در ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی، رفتارهای باروری گروه‌های مختلف قومی به سوی همگرایی میل می‌کند. ضعف مشاهده شده در رابطه‌ی بین شاخص‌های متعارف توسعه و باروری بسیاری از تحلیل‌گران را به این باور رساند تا

---

۱- اسلای و ادای و تروواتو بین دو نوع همانندی ساختاری و همانندی در اثر فرهنگ‌پذیری تفکیک قایل شدند. همانندی ساختاری به فرآیندی اطلاق می‌شود که از طریق آن زیرگروه‌های جمعیتی قادرند بدون از دست دادن مشخصه‌های فرهنگی خود به ساختار اقتصادی اجتماعی جامعه‌ی اکثریت راه بیابند. همانندی ناشی از فرهنگ‌پذیری فرآیندی است که از طریق آن زیرگروه‌های جمعیتی ارزش‌ها و رفتارها از جمله رفتارهای تولیدمثل فرهنگ مسلط را می‌پذیرند. برآیند این وضعیت از بین رفتن تمام ویژگی‌هایی است که یک زیرگروه را از دیگری متمایز می‌کند (Sly 1970: 443-459; Addai & trovato 1999: 409-427).

فرهنگ و فرزندآوری: بررسی تمایلات باروری زنان کرد

استدلال کنند که نمی‌توان رفتارهای باروری را با استفاده از رویکردهای مبتنی بر مدل‌های انتخاب عقلانی و تبیین ساختاری تبیین کرد (Goldscheider & Uhlenberg 1969: 361-372; Rosemary & etal 1981: 1094-1113; Ritchey 1975: 249-257; Day 1984: 456-472; Robert and Kennedy 1973: 85-96; Fischer & Marcam 1984: 583-593; Chami 1981; Kollehlon 1994: 493-507; Knodel & elat 1999: 217-245; Mcquillan 2004: 25-56; Bongaarts and Watkins 1996: 639-682; Cleland, J, and Wilson 1987: 5-30; Knodel and Van de Walle 1979: 217-247). آنها ارزیابی‌های اولیه‌ی اقتصادی از کاهش باروری را به چالش کشیدند و در سطح کلان اقتصادی نشان دادند که توسعه‌ی اقتصادی و مشخصه‌های اقتصادی - اجتماعی افراد و خانواده‌ها نمی‌تواند تغییر رفتارهای باروری را پیش‌بینی کند. در نتیجه، جست‌وجو برای تبیین‌های جایگزین آغاز شد و برای پُر کردن این خلأ، تبیین‌های هنجاری - فرهنگی باروری ارائه شد.

تبیین‌های هنجاری - فرهنگی شامل فرضیه‌ی تأثیر قومی - فرهنگی، فرضیه‌ی هنجارهای خُرده فرهنگی و نظریه‌های اشاعه و اندیشه‌سازانه<sup>۱</sup> است. برخلاف رویکرد انتخاب عقلانی که بیشتر بر اهمیت تغییرات ساختاری تأکید می‌کند، در رویکرد اشاعه استدلال می‌شود که وقتی افراد اهمیت خانواده‌های کوچک را درک کنند، استفاده از وسایل پیش‌گیری از حاملگی را بپذیرند و باور کنند که اختیار زندگی‌شان تا اندازه‌ای دست

---

1- Ideational and Diffusion Theories

خودشان است، رفتارهای باروری می‌تواند مطابق شرایط مختلف اقتصادی - اجتماعی تغییر کند (حسینی ۱۳۹۰: ۱۳۵). در رویکرد تأثیر قومی - فرهنگی، در قالب ارزش‌ها و هنجارهای خُرده فرهنگی رفتارهای باروری گروه‌های قومی تبیین می‌شود و می‌گویند که هر گروه قومی به خاطر ارزش‌های فرهنگی خاص خود، رفتارهای باروری متفاوتی را تجربه می‌کند. در فرهنگ بعضی گروه‌های قومی ممکن است خانواده‌های بزرگ و پُر حجم ارزش والایی داشته باشند، یا اینکه روش‌های معینی از کنترل موالید در میان آنها ممنوع شده باشد، گرایش زیادی به ترجیح فرزند پسر بر دختر وجود داشته باشد، زنان در تصمیم‌گیری‌های باروری استقلال کمتری داشته باشند و یا در رفتارهای باروری‌شان به شدت تقدیرگرا باشند. در نتیجه، انتظار می‌رود افراد متعلق به یک گروه قومی، علی‌رغم ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی متفاوت رفتارها، ایده‌آل‌ها و تمایلات فرزندآوری یکسانی را تجربه کنند. این فرضیه که از آن با عنوان فرضیه‌ی خُرده فرهنگی یا تأثیرات هنجاری نیز یاد می‌کنند (Lopez and Sabagh 1978: 1492) بر تأثیرات خُرده فرهنگ‌ها در رفتارهای باروری گروه‌های قومی تأکید می‌شود. در واقع، مطابق این فرضیه رفتارهای باروری گروه‌های قومی بازتاب اهمیت و نفوذ میراث فرهنگی مشترک آنهاست. به تعبیر همل «... فرهنگ تبیین می‌کند که چرا افراد در جوامعی که به ظاهر از نظر اقتصادی در شرایط یکسانی بسر می‌برند، اما از نظر آداب و رسوم و زبان متفاوت هستند، عملکردهای جمعیتی متفاوتی



دارند. فرهنگ می‌تواند توضیح دهد که چرا علی‌رغم تغییر شرایط اقتصادی و اجتماعی، جمعیت یک منطقه در طول زمان از نظر جمعیت‌شناختی یکسان عمل می‌کند. به‌کارگیری فرهنگ به عنوان مبنای تحلیل می‌تواند زمینه‌های تبیین را به سطحی بالاتر ارتقاء دهد...» (Hammel 1990: 455)

نویسندگان مقاله بر این باورند که تأثیر نیروهای نوسازی در جوامع، به ویژه در جوامع چند فرهنگی، به‌طور ناهم‌زمان، در طول زمان و از مجرا و مسیر بسترها و زمینه‌های فرهنگی و قومی افراد و خانوارها بر رفتارها، ایده‌آل‌ها و تمایلات فرزندآوری آنها تأثیر می‌گذارد. در واقع، چارچوب نظری این تحقیق بر رویکرد هنجاری - فرهنگی تبیین رفتارهای باروری متمرکز است و بر این فرض استوار است که مشخصه‌های فرهنگی نقش تعیین‌کننده‌ای در پیش‌بینی احتمال تمایل نداشتن به فرزندآوری دارند، به طوری که پس از کنترل اثر مشخصه‌های اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی، این عوامل فرهنگی هستند که همچنان در احتمال تمایل نداشتن به فرزندآوری تأثیر معنی‌داری دارند.

### ۳- روش‌شناسی تحقیق و داده‌ها

داده‌های این مقاله از پیمایش باروری مهاباد (فروردین ۱۳۹۱) اقتباس شده است که در آن اطلاعات از طریق پرسش‌نامه‌ی ساخت‌یافته گردآوری شد. جمعیت آماری تمامی خانوارهای معمولی ساکن در شهر مهاباد، واحد نمونه‌گیری خانوار و برای تعیین حجم نمونه از داده‌های نتایج سرشماری

عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ شهرستان مهاباد استفاده شد. واحد تحلیل، زنان حداقل یک بار ازدواج کرده‌ی ۴۹-۱۵ ساله‌ی همسر دار است که در داخل خانوار شناسایی شدند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۷۰۰ خانوار تعیین شد. روش نمونه‌گیری، ترکیبی از روش‌های خوشه‌ای چند مرحله‌ای، تصادفی و تصادفی سیستماتیک بود. ابتدا شهر به سه خوشه بر حسب موقعیت اقتصادی اجتماعی مناطق شهر (بالا، متوسط و پایین) تفکیک شد. برای انتخاب بلوک‌ها در هر یک از خوشه‌ها، ابتدا بلوک‌هایی که تعداد خانوارهای آن کمتر از ۱۰ خانوار بود، حذف شد. سپس، با توجه به اینکه در هر بلوک تنها ۱۰ خانوار بررسی می‌شد، از میان بلوک‌های باقی مانده در هر خوشه، بلوک‌هایی به طور تصادفی و متناسب با حجم هر خوشه انتخاب شد. جدول شماره ۱ متغیرها و شاخص‌های تحلیل را نشان می‌دهد.

جدول ۱. متغیرها و شاخص‌های تحلیل به تفکیک متغیرهای مستقل و وابسته

نوع متغیر	معرف
متغیرهای مستقل: (۱) مشخصه‌های اقتصادی اجتماعی و جمعیتی  (۲) مشخصه‌های فرهنگی	وضع سواد و سطح تحصیلات زنان، خاستگاه شهری یا روستایی، وضعیت اشتغال زنان، سن هنگام ازدواج، سن هنگام بررسی، شمار فرزندان زنده به دنیا آمده، شمار فرزندان در حال حاضر زنده.  تقدیرگرایی در رفتار باروری، نگرش نسبت به منافع فرزندان، گرایش به ترجیح جنسی، پایبندی به ارزش‌های خانوادگی بزرگ، نسبت فامیلی زن با همسر، استقلال زنان در خانواده، نگرش نسبت به اشتغال زنان در فعالیت‌های خارج از منزل.
متغیر وابسته: تمایلات فرزندآوری	سؤال: آیا به جز فرزندان که دارید، تمایل دارید فرزند دیگری به دنیا بیاورید؟ ۰: بلی ۱: خیر

در پیمایش باروری مهاباد (۱۳۹۱) پرسش‌نامه‌ی تحقیق از چهار بخش تشکیل شده بود؛ بخش اول دربرگیرنده‌ی اطلاعات بارداری و شیردهی زنان، بخش دوم شامل سؤالات مرتبط با تنظیم خانواده، بخش سوم دربرگیرنده‌ی سؤالات مرتبط با نگرش زنان نسبت به تنظیم خانواده، ایده‌آل‌ها و تمایلات فرزندآوری زنان و بخش چهارم به مشخصات پاسخ‌گویان اختصاص یافته بود. بخشی از سؤالات پرسش‌نامه با پرسش‌های پیمایش گذار باروری در ایران (IFTS)، پیمایش جمعیت و سلامت (DHS) و پیمایش باروری در شهرستان ارومیه مشترک است (عبّاسی شوازی و حسینی ۱۳۸۷). بنابراین، روایی شاخص‌های فرهنگی مثل تقدیرگرایی در رفتار باروری، نگرش نسبت به منافع فرزندان، گرایش به ترجیح جنسی، پایبندی به ارزش‌های خانوادگی

بزرگ، استقلال زنان در خانواده و نگرش نسبت به اشتغال زن در فعالیت‌های خارج از منزل بیشتر از طریق آزمون آلفای کرونباخ سنجیده شده است.<sup>۱</sup> زنان واقع در سنین تولید مثل، از نظر توانایی زایش در یک دسته‌بندی کلی به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند: زنان عقیم یا نابارور و زنان بارور یا توانمند برای فرزندآوری. در این مقاله، تمایلات فرزندآوری زنانی بررسی خواهد شد که در زمان پیمایش، توان فرزندآوری داشته‌اند. بنابراین، از مجموع پرسش‌نامه‌های گردآوری شده، تنها اطلاعات ۶۶۶ زن ۴۹-۱۵ ساله‌ی همسر دار تجزیه و تحلیل شده است. پردازش و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS ۲۰ انجام شد. در ارائه‌ی یافته‌ها، ابتدا ویژگی‌های زنان و تمایلات فرزندآوری آنها بر حسب مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی، جمعیتی و فرهنگی بررسی خواهد شد. سپس، به منظور تعیین تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از تکنیک رگرسیون لجستیک استفاده می‌شود.

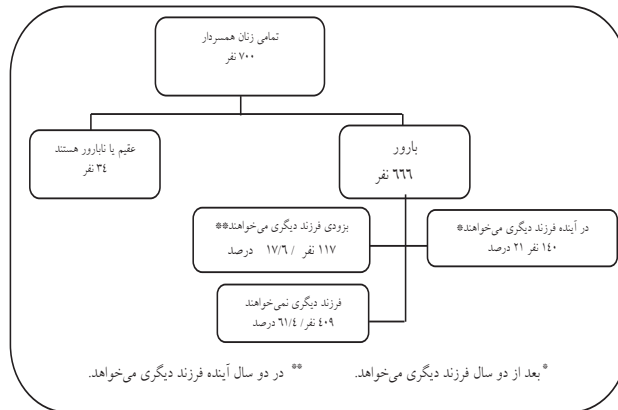
۱- برای آگاهی بیشتر درباره‌ی چگونگی تهیه‌ی این شاخص‌ها و روایی آنها رجوع کنید به عباسی شوازی و حسینی (۱۳۸۷) و حسینی (۱۳۸۷).

#### ۴- یافته‌های تحقیق

##### ۴-۱- تمایلات فرزندآوری

زنانی که امکان فرزندآوری دارند بر حسب تمایلات فرزندآوری به سه گروه تقسیم می‌شوند: زنانی که علاوه بر فرزندان‌ی که تا زمان بررسی داشته‌اند، نمی‌خواهند فرزند دیگری داشته باشند؛ زنانی که می‌خواهند به زودی یعنی در طول دو سال آینده<sup>۱</sup> فرزند دیگری داشته باشند و زنانی که تمایل دارند از بعد از دو سال پس از تحقیق بچه‌دار شوند. شکل شماره ۱، توزیع زنان را بر حسب وضعیت عقیمی و تمایلات فرزندآوری آنها نشان می‌دهد.

شکل ۱. توزیع زنان بر حسب وضعیت عقیمی و تمایلات فرزندآوری



۱ - با توجه به زمان انجام پیمایش باروری مهاباد (فروردین ۱۳۹۱)، این گروه از زنان کسانی را در بر می‌گیرد که اظهار کرده‌اند تا فروردین ۱۳۹۳ می‌خواهند فرزند دیگری به دنیا بیاورند.

از مجموع زنان بررسی شده، ۴/۹ درصد عقیم یا نابارور بوده‌اند. بنابراین، نسبت درصد زنانی که در زمان بررسی امکان باروری داشته‌اند معادل ۹۵/۱ درصد است. بر اساس اطلاعات مندرج در شکل شماره ۱، در پاسخ به این پرسش که «آیا تمایل دارید علاوه بر فرزندان که الآن (زمان بررسی) دارید، فرزند دیگری به دنیا بیاورید؟» کمتر از ۳۹ درصد زنان اظهار کرده‌اند که می‌خواهند در آینده فرزند دیگری داشته باشند. در این میان، ۲۱ درصد را آنهایی در بر می‌گیرند که بیش از دو سال زمان را برای داشتن فرزند بعدی اعلام کرده‌اند. به این ترتیب، می‌توان امیدوار بود که اگر این زنان بر قصد خود باقی بمانند، تنها ۱۷/۶ درصد زنانی که در زمان پیمایش باروری مه‌آباد امکان فرزندآوری داشته‌اند، در طول دو سال پس از زمان بررسی یعنی تا ۱۳۹۳ بچه‌دار شوند.

جدول شماره ۲ تمایلات فرزندآوری زنان را بر حسب شمار فرزندان در حال حاضر زنده‌ی آنها نشان می‌دهد. در مجموع، می‌توان گفت که بیشتر پاسخ‌گویان تمایلی به داشتن فرزندی دیگر علاوه بر فرزندان که در زمان بررسی داشته‌اند ندارند، هرچند زنان بدون فرزند یا صاحب یک فرزند، بیش از دیگر زنان تمایل خود را برای داشتن فرزندی دیگر اظهار کرده‌اند. ۳۲/۲ درصد زنانی که فرزندی نداشته یا یک فرزند داشته‌اند، اعلام کرده‌اند که قصد دارند در دو سال آینده بچه‌دار شوند، ولی این نسبت در میان زنانی که بیش از سه فرزند داشته‌اند، تنها ۳/۵ درصد بوده است.

جدول ۲. تمایلات باروری زنان بارور بر حسب شمار فرزندان در حال حاضر زنده

جمع	تمایلات فرزندآوری						شمار فرزندان در حال حاضر زنده
	می خواهند بعداً بچه‌دار شوند		به زودی می خواهند بچه‌دار شوند		فرزند دیگری نمی خواهند		
	فراوانی نسبی	فراوانی	فراوانی نسبی	فراوانی	فراوانی نسبی	فراوانی	
۲۹۵	۲۸/۵	۸۴	۳۲/۲	۹۵	۳۹/۳	۱۱۶	بدون فرزند یا دارای یک فرزند
۳۱۴	۱۵/۹	۵۰	۶/۴	۲۰	۷۷/۷	۲۴۴	۲ تا ۳ فرزند
۵۷	۱۰/۵	۶	۳/۵	۲	۸۶/۰	۴۹	بیش از ۳ فرزند

زنانی که فرزندی نداشته یا یک فرزند داشته‌اند، در میان سه طبقه‌ی تمایلات فرزندآوری، به نسبت مساوی توزیع شده‌اند؛ هرچند بیشتر آنها (۳۹/۳ درصد) اعلام کرده‌اند که فرزند دیگری نمی‌خواهند. این شرایط در مورد دیگر طبقات شمار فرزندان در حال حاضر زنده نیز صدق می‌کند؛ به طوری که بیشتر زنان صاحب دو تا سه فرزند (۷۷/۷ درصد) و یا بیش از سه فرزند (۸۶ درصد) نیز اعلام کرده‌اند که تمایلی به داشتن فرزند دیگر ندارند.

#### ۴-۲- مشخصه‌های تمایلات فرزندآوری بر حسب مشخصه‌های فرهنگی

جدول شماره‌ی ۳ تمایلات فرزندآوری زنان را بر حسب مشخصه‌های فرهنگی آنها به تصویر می‌کشد. نتایج آزمون‌های آماری نشان می‌دهد که به جز متغیر نگرش نسبت به ارزش‌های خانوادگی بزرگ، تمامی متغیرها

از لحاظ آماری رابطه‌ای معنی‌دار با متغیر وابسته دارند. نتایج نشان می‌دهد که استقلال زنان در جنبه‌های مختلف تصمیم‌گیری در خانواده، در تمایلات باروری زنان تأثیر زیادی می‌گذارد. زنانی که در تصمیم‌گیری‌های خانواده استقلال بیشتری دارند در مقایسه با سایر زنان به نسبت بیشتری تمایل به فرزندآوری ندارند. ضریب همبستگی مشاهده شده بین گرایش به ترجیح جنسی و تمایلات فرزندآوری پایین است، اما زنانی که گرایش متوسطی به ترجیح جنسی دارند بیشتر از دیگران تمایل دارند که در دو سال آینده فرزند دیگری داشته باشند. بر اساس اطلاعات مندرج در جدول شماره ۳، نسبت چشمگیری از زنانی که منافع فرزندان را کمتر از هزینه‌های آنها ارزیابی می‌کنند و بر این باورند که فرزندان در شرایط کنونی بیشتر بر والدین هزینه تحمیل می‌کنند، تمایل ندارند در آینده بچه‌دار شوند.



جدول ۳. تمایلات فرزندآوری زنان بر حسب مشخصه‌های فرهنگی

جمع	تمایلات فرزندآوری			سطوح متغیر	مشخصه‌ها
	فرزند دیگری نمی‌خواهند	فرزند دیگری می‌خواهند			
		بعد از دو سال، فرزند دیگری می‌خواهند	در دو سال آینده فرزند دیگری می‌خواهند		
۱۰۰/۰	۳۷/۸	۴۴/۴	۱۷/۸	کم	استقلال زنان
۱۰۰/۰	۶۲/۸	۱۹/۶	۱۷/۶	متوسط	
۱۰۰/۰	۷۰/۵	۲۱/۱	۱۷/۳	زیاد	
	$\chi^2 = 41/022$	Cramer's V = ۰/۲۴۸	Sig = ۰/۰۰۰۵	آزمون آماري	
۱۰۰/۰	۶۴/۴	۲۰/۸	۱۴/۹	کم	گرایش به ترجیح جنسی
۱۰۰/۰	۵۸/۴	۱۹/۶	۲۲/۰	متوسط	
۱۰۰/۰	۶۴/۱	۲۴/۶	۱۱/۳	زیاد	
	$\chi^2 = 9/888$	Cramer's V = ۰/۰۸۶	Sig = ۰/۰۴۲	آزمون آماري	
۱۰۰/۰	۶۳/۰	۱۷/۸	۱۹/۲	کم	نگرش نسبت به منافع فرزندان
۱۰۰/۰	۵۵/۶	۲۹/۹	۱۴/۶	متوسط	
۱۰۰/۰	۶۱/۶	۳۰/۳	۹/۱	زیاد	
	$\chi^2 = 14/140$	Cramer's V = ۰/۱۰۳	Sig = ۰/۰۰۷	آزمون آماري	
۱۰۰/۰	۷۱/۱	۲۴/۴	۴/۴	کم	تقدیرگرایی در رفتار باروری
۱۰۰/۰	۶۳/۸	۱۴/۹	۲۱/۳	متوسط	
۱۰۰/۰	۵۹/۰	۲۴/۰	۱۷/۰	زیاد	
	$\chi^2 = 13/317$	Cramer's V = ۰/۱۴۱	Sig = ۰/۰۱۰	آزمون آماري	

جمع	تمایلات فرزندآوری			سطوح متغیر	مشخصه‌ها
	فرزند دیگری نمی‌خواهند	فرزند دیگری می‌خواهند			
		بعد از دو سال، فرزند دیگری می‌خواهند	در دو سال آینده فرزند دیگری می‌خواهند		
۱۰۰/۰	۵۷/۴	۱۹/۴	۲۳/۲	منفی	نگرش نسبت به اشتغال زنان
۱۰۰/۰	۶۴/۹	۱۹/۸	۱۵/۳	میان‌رو	
۱۰۰/۰	۶۱/۰	۲۹/۰	۱۰/۰	مثبت	
	$\chi^2 = 13/835$	Cramer's V = ۰/۱۰۲	Sig = ۰/۰۰۸	آزمون آماري	
۱۰۰/۰	۶۱/۵	۲۰/۲	۱۸/۲	کم	پایبندی به ارزش‌های خانواده‌ی بزرگ
۱۰۰/۰	۶۲/۹	۱۹/۳	۱۷/۸	متوسط	
۱۰۰/۰	۵۳/۶	۳۳/۹	۱۲/۵	زیاد	
	$\chi^2 = 6/478$	Cramer's V = ۰/۰۷۰	Sig = ۰/۱۶۶	آزمون آماري	
۱۰۰/۰	۵۸/۵	۲۰/۵	۲۱/۰	غیرخوشاوند	نسبت فامیلی با همسر
۱۰۰/۰	۶۶/۴	۲۱/۹	۱۱/۷	خوشاوند	
	$\chi^2 = 9/308$	Cramer's V = ۰/۱۱۸	Sig = ۰/۰۱۰	آزمون آماري	

بررسی تمایلات فرزندآوری زنان بر حسب گرایش به تقدیرگرایی در رفتار باروری بیانگر آن است که در میان زنانی که در تصمیم‌گیری‌های باروری کمتر تقدیرگرا هستند، درصد چشمگیری اظهار کرده‌اند که تمایل ندارند در آینده فرزند دیگری داشته باشند. در مقابل، ۴۱ درصد زنانی که در سطح بالایی از تقدیرگرایی در رفتار باروری قرار دارند، اظهار کرده‌اند که می‌خواهند دست‌کم در دو سال آینده فرزند دیگری به دنیا بیاورند.

نگرش نسبت به اشتغال زنان در فعالیت‌های خارج از منزل یکی دیگر از مؤلفه‌های فرهنگی مؤثر در تمایلات فرزندآوری زنان است. اصولاً انتظار می‌رود زنان بر حسب نگرش نسبت به اشتغال زنان در فعالیت‌های خارج از منزل، تمایلات فرزندآوری متفاوتی داشته باشند. آماره‌ی کای اسکور و سطح معنی‌داری این انتظار را تأیید می‌کند.  $42/6$  درصد زنانی که نگرش منفی نسبت به اشتغال زنان در فعالیت‌های خارج از منزل دارند، اظهار کرده‌اند که تمایل دارند دست‌کم در دو سال آینده فرزند دیگری به دنیا بیاورند. در مقابل، نسبت‌های متناظر در میان زنانی که نگرشی در حد متوسط به بالا نسبت به مشارکت زنان دارند، کمتر از  $40$  درصد است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که اگرچه بر خلاف انتظار رابطه‌ی بین متغیر پای‌بندی به ارزش‌های خانوادگی بزرگ با تمایلات فرزندآوری از لحاظ آماری معنی‌دار نیست، اما بیش از  $46$  درصد زنانی که پای‌بندی بیشتری به ارزش‌های خانوادگی بزرگ دارند، تمایل دارند دست‌کم در دو سال آینده فرزند دیگری داشته باشند. اصولاً انتظار می‌رود تمایلات فرزندآوری در میان زنانی که با همسرشان نسبت فامیلی دارند بیشتر از آنهایی باشد که غیرخویشاوندند، اما مطابق جدول شماره‌ی ۳ نتایج برخلاف انتظار است. آماره‌ی کای اسکور نشان می‌دهد که تفاوت‌های مشاهده شده تصادفی نبوده و از نظر آماری معنی‌دار است. نسبت درصد زنانی که با همسرشان رابطه‌ی خویشاوندی دارند و نمی‌خواهند در آینده فرزند دیگری داشته باشند ( $67/4$  درصد) به مراتب

بیشتر از آنهایی است که غیرخویشاوندند (۵/۵۸ درصد).

### ۳-۴- تمایلات فرزندآوری بر حسب مشخصه‌های اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی

جدول شماره ۴، توزیع تمایلات فرزندآوری زنان را بر حسب ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی آنها نشان می‌دهد. آماره‌ی کای اسکور و سطح معنی‌داری آن حاکی است که تفاوت‌های مشاهده شده در تمایلات فرزندآوری زنان بر حسب ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی آنها، به استثنای وضعیت اشتغال زنان و شمار فرزندان زنده به دنیا آمده، در سایر موارد از نظر آماری معنی‌دار است. بر اساس اطلاعات مندرج در جدول شماره ۴، تمایلات فرزندآوری زنان بر حسب سن به هنگام بررسی و تعلق زنان به گروه‌های هم‌دوره‌ی ازدواجی متفاوت است. از طرفی، تمایل به فرزندآوری پیرو افزایش سن کاهش می‌یابد. کمی بیش از ۷۰ درصد زنانی که بین ۲۴-۱۵ سال سن دارند گفته‌اند که می‌خواهند در آینده فرزند دیگری، علاوه بر فرزندان که در زمان بررسی داشته‌اند، داشته باشند. از ۲۵ سالگی به بعد، با افزایش سن بر نسبت درصد زنانی که نمی‌خواهند فرزند دیگری داشته باشند افزوده می‌شود. از سوی دیگر، نسبت درصد زنانی که نمی‌خواهند فرزند دیگری داشته باشند در میان گروه‌های هم‌دوره‌ی ازدواجی دهه‌ی ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ به ترتیب و به مراتب بیشتر از نسبت متناظر در میان زنانی است که در دهه‌ی ۱۳۸۰ ازدواج کرده‌اند. این یافته‌ها گویای این واقعیت‌اند که زنان مسن‌تر و آنهایی که به گروه‌های

هم‌دوره‌ی ازدواجی قدیمی‌تری تعلق دارند، شمار فرزندان مطلوب و مورد نظرشان را به دنیا آورده و به ایده‌آل‌های خود در مورد شمار فرزندان دست یافته‌اند.

نتایج به دست آمده درباره‌ی تمایلات فرزندآوری زنان بر حسب وضع سواد و سطح تحصیلات آنها برخلاف انتظار است؛ اصولاً، انتظار می‌رود که تمایلات فرزندآوری در میان زنان باسواد کمتر از زنان بی‌سواد باشد، اما براساس اطلاعات جدول شماره‌ی ۴ حدود ۷۷ درصد زنان بی‌سواد تمایل ندارند که فرزند دیگری داشته باشند. در مقابل، بیش از ۴۲ درصد زنانی که تحصیلات فوق دیپلم و بالاتر دارند گفته‌اند که قصد دارند در آینده فرزند دیگری به دنیا بیاورند. ممکن است این امر ناشی از این واقعیت باشد که بیشتر زنان بی‌سواد در سنین پایین‌تری ازدواج کرده و به گروه‌های هم‌دوره‌ی ازدواجی قدیمی‌تر تعلق دارند و برعکس زنان با تحصیلات فوق دیپلم و بالاتر بیشتر کسانی هستند که در سال‌های اخیر ازدواج کرده و کمتر از ۳۰ سال سن دارند. در نتیجه، با توجه به اینکه هنوز به شمار فرزندان ایده‌آل خود دست نیافته‌اند، انتظار می‌رود همچنان خواستار فرزندآوری باشند. بررسی تمایلات فرزندآوری زنان بر حسب محل تولد آنها نشان می‌دهد که زنان با خاستگاه شهری در مقایسه با زنان با خاستگاه روستایی، تمایل کمتری به فرزندآوری حتی در طول دو سال پس از بررسی دارند. وضعیت زنده ماندن نوزادان زنده به دنیا آمده یکی از عوامل جمعیت‌شناختی مؤثر در تقاضا برای

فرزندآوری می‌باشد. وقتی کودکی در خانواده‌ای فوت می‌کند، والدین سعی می‌کنند تا با فرزندآوری دوباره فرزندان دیگری را جایگزین کنند. نتایج به دست آمده انتظارات تحقیق را تأیید می‌کنند. بیش از ۸۱ درصد زنانی که سه فرزند و بیشتر داشته‌اند، تمایلی ندارند که در آینده فرزند دیگری داشته باشند. حدود ۴ درصد این زنان اظهار داشته‌اند که می‌خواهند در طول دو سال آینده بچه‌دار شوند.

**جدول ۴. تمایلات فرزندآوری زنان بر حسب مشخصه‌های اقتصادی و جمعیتی**

جمع	تمایلات فرزندآوری			سطوح متغیر	مشخصه‌ها
	فرزند دیگری نمی‌خواهند	فرزند دیگری می‌خواهند			
		بعد از دو سال، فرزند دیگری می‌خواهند	در دو سال آینده فرزند دیگری می‌خواهند		
۱۰۰/۰	۲۹/۹	۴۰/۲	۲۹/۹	کمتر از ۲۵ سال	سن هنگام بررسی
۱۰۰/۰	۵۶/۸	۱۹/۳	۲۳/۹	۲۵-۳۴	
۱۰۰/۰	۷۹/۶	۱۳/۹	۶/۵	۳۵-۴۴	
۱۰۰/۰	۹۰/۶	۹/۴	۰/۰	۴۵ و بالاتر	
	$\chi^2 = 119/094$	Cramer's V = ۰/۲۹۹	Sig = ۰/۰۰۰۵	آزمون آماری	
۱۰۰/۰	۹۰/۸	۷/۷	۱/۵	دهه‌ی ۱۳۶۰ و قبل	گروه هم‌دوره‌ی ازدواجی
۱۰۰/۰	۷۳/۹	۱۵/۸	۱۰/۴	دهه‌ی ۱۳۷۰	
۱۰۰/۰	۳۸/۳	۳۱/۲	۳۰/۵	دهه‌ی ۱۳۸۰	
	$\chi^2 = 132/859$	Cramer's V = ۰/۳۱۶	Sig = ۰/۰۰۰۵	آزمون آماری	

جمع	تمایلات فرزندآوری			سطوح متغیر	مشخصه‌ها
	فرزند دیگری نمی‌خواهند	فرزند دیگری می‌خواهند			
		بعد از دو سال، فرزند دیگری می‌خواهند	در دو سال آینده فرزند دیگری می‌خواهند		
۱۰۰/۰	۷۶/۹	۱۵/۷	۷/۴	بی‌سواد	وضع سواد و سطح تحصیلات
۱۰۰/۰	۶۲/۶	۲۳/۰	۱۴/۴	ابتدایی	
۱۰۰/۰	۵۳/۷	۲۱/۲	۲۵/۱	راهنمایی و متوسطه	
۱۰۰/۰	۵۷/۹	۲۱/۱	۲۱/۱	فوق‌دیپلم و بالاتر	
	$\chi^2 = 24/255$	Cramer's V = ۰/۱۳۵	Sig = ۰/۰۰۰۵	جمع	
۱۰۰/۰	۵۶/۴	۲۰/۲	۲۳/۴	شاغل	وضعیت اشتغال
۱۰۰/۰	۶۲/۲	۲۱/۲	۱۶/۶	غیرشاغل	
	$\chi^2 = 2/607$	Cramer's V = ۰/۰۶۳	Sig = ۰/۲۷۲	آزمون آماری	
۱۰۰/۰	۵۴/۹	۲۱/۶	۲۳/۴	روستا	خاستگاه شهری یا روستایی
۱۰۰/۰	۷۰/۲	۲۰/۲	۹/۶	شهر	
	$\chi^2 = 24/109$	Cramer's V = ۰/۱۹۰	Sig = ۰/۰۰۰۵	آزمون آماری	
۱۰۰/۰	۰/۰۰	۱۰۰/۰	۰/۰۰	بدون فرزند	شمار فرزندان زنده به دنیا آمده
۱۰۰/۰	۶۲/۱	۲۰/۳	۱۷/۵	۱ تا ۲ فرزند	
۱۰۰/۰	۶۱/۰	۲۱/۳	۱۷/۷	۳ فرزند و بیشتر	
	$\chi^2 = 7/649$	Cramer's V = ۰/۰۷۶	Sig = ۰/۱۰۵	آزمون آماری	

جمع	تمایلات فرزندآوری			سطوح متغیر	مشخصه‌ها
	فرزند دیگری نمی‌خواهند	فرزند دیگری می‌خواهند			
		بعد از دو سال، فرزند دیگری می‌خواهند	در دو سال آینده فرزند دیگری می‌خواهند		
۱۰۰/۰	۶۳/۳	۱۹/۸	۱۶/۹	۱ تا ۲ فرزند	شمار فرزندان در حال حاضر زننده
۱۰۰/۰	۸۱/۵	۱۴/۲	۴/۳	۳ فرزند و بیشتر	
	$\chi^2 = ۸۷/۳۲۱$	Cramer's $V = ۰/۲۵۶$	Sig = ۰/۰۰۰۵	آزمون آماری	

در مجموع، نتایج تحلیل‌های دو متغیره حاکی است که زنان بررسی شده بر حسب مشخصه‌های اقتصادی - اجتماعی، جمعیتی و فرهنگی تمایلات فرزندآوری متفاوتی دارند و در بیشتر موارد تفاوت‌ها از نظر آماری معنی‌دار است. بنابراین، می‌توان گفت نبود تمایل به فرزندآوری در میان زنان با ویژگی‌های مختلف اقتصادی - اجتماعی، جمعیتی و فرهنگی متفاوت است.

#### ۴-۴- تحلیل چند متغیره

با توجه به نتایج به دست آمده، سؤال این است که نقش عوامل فرهنگی در پیش‌بینی احتمال نبود تقاضا برای فرزندآوری چیست؟ با کنترل تأثیر مشخصه‌های اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی، چه تغییری در رابطه‌ی میان عوامل فرهنگی و تمایلات فرزندآوری زنان به وجود می‌آید؟ به منظور بررسی چگونگی تغییر احتمال نبود تمایل به داشتن بچه بر اساس طبقات



هر یک از متغیرهای مستقل، با توجه به سطح سنجش متغیر وابسته (اسمی دو وجهی)، از تکنیک رگرسیون لجستیک استفاده شد. در این مرحله، به دلیل هم خطی و همبستگی به نسبت بالا بین شماری از متغیرهای پیش‌بین، تصمیم بر آن شد تا متغیرهای نگرش نسبت به منافع فرزندان، پای‌بندی به ارزش‌های خانواده‌ی بزرگ و شمار فرزندان زنده به دنیا آمده در تحلیل رگرسیونی وارد نشود. مدل‌های مطرح شده، احتمال پیش‌بینی هر یک از متغیرهای مستقل را در مورد تمایل نداشتن زنان به فرزندآوری نشان می‌دهد (جدول شماره ۵). در مدل اول، متغیرهای فرهنگی وارد تحلیل رگرسیونی شدند. سپس، متغیرهای اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی به ترتیب وارد مدل‌های دوم و سوم شدند تا تأثیر همزمان متغیرهای فرهنگی، جمعیتی و اقتصادی - اجتماعی ارزیابی شود. جدول شماره ۵ کسرهای برتری<sup>۱</sup> به دست آمده از رگرسیون لجستیک را نشان می‌دهد.

در مدل اول، تأثیر هم‌زمان متغیرهای استقلال زنان، گرایش به ترجیح جنسی، تقدیرگرایی در رفتار باروری، نگرش نسبت به اشتغال زنان و نسبت فامیلی با همسر (ازدواج خویشاوندی) بر نبود تمایل به فرزندآوری بررسی شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، از میان مجموع عوامل فرهنگی وارد شده در مدل رگرسیونی، دو متغیر تقدیرگرایی در رفتار باروری و ترجیح جنسی تأثیر معنی‌داری در احتمال نبود تمایل به فرزندآوری در میان زنان

---

1- Odds ratio

ندارند. به بیان دیگر، قرار گرفتن در هیچ یک از طبقات دو متغیر فوق احتمال توقّف فرزندآوری را تغییر نمی‌دهد. کسر برتری متغیر استقلال زنان بیانگر آن است که تغییر آن در جهت موافق با متغیر وابسته است، بدین معنی که با افزایش استقلال زنان، احتمال تمایل نداشتن به فرزندآوری افزایش می‌یابد. به بیان دیگر، زنانی که استقلال متوسط و زیاد دارند به ترتیب  $2/41$  و  $3/55$  برابر بیشتر از زنانی که استقلال کم دارند، احتمال دارد که نخواهند فرزند دیگری داشته باشند. همچنین، تمایل نداشتن به فرزندآوری در میان زنانی که نسبت به اشتغال زنان در فعالیت‌های خارج از منزل نگرش معتدل و مثبت دارند، بیشتر از زنانی است که مخالف اشتغال زنان در فعالیت‌های خارج از منزل می‌باشند. نسبت فامیلی زن با همسر عاملی تأثیرگذار در احتمال تمایل نداشتن به فرزندآوری است. احتمال تمایل نداشتن به فرزندآوری در میان زنانی که با همسرشان نسبت فامیلی دارند، کمتر از زنانی است که غیرخویشاوندند. کسر برتری متغیر نسبت فامیلی زن با همسر نشان می‌دهد که آن دسته از زنانی که با خویشاوند خود ازدواج کرده‌اند،  $29/5$  درصد کمتر از زنانی که با همسرشان نسبت فامیلی ندارند، احتمال دارد که تمایلی به داشتن فرزند بیشتر نداشته باشند.

در مدل دوم، متغیرهای تحصیلات، وضعیت اشتغال و خاستگاه شهری یا روستایی (بر حسب محلّ تولّد) نیز وارد تحلیل رگرسیون شدند. با ورود این متغیرها، ازدواج خویشاوندی رابطه‌ی معنی‌دار خود را با متغیر وابسته از

دست داد. در مقابل، احتمال تمایل نداشتن به فرزندآوری در میان زنانی که تقدیرگرایی بالایی در تصمیم‌گیری‌های باروری‌شان دارند، حدود ۵۱ درصد کمتر از زنانی است که کمتر تقدیرگرا هستند. مفهوم مخالف آن این است که تمایل به فرزندآوری در میان زنانی با سطح بالایی از تقدیرگرایی در رفتار باروری بیشتر از زنانی است که در تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای باروری‌شان کمتر تقدیرگرا می‌باشند. متغیرهای فرهنگی دیگر از لحاظ داشتن رابطه‌ی معنی‌دار در مقایسه با مدل اول بدون تغییر باقی مانده‌اند، هرچند که از مقدار کسرهای برتری آنها کاسته شده است.

بررسی تأثیر هم‌زمان مشخصه‌های فرهنگی و ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی زنان بر تمایل نداشتن به فرزندآوری نشان می‌دهد که در کنار ویژگی‌های فرهنگی، سواد و تحصیلات تأثیر معنی‌داری در پیش‌بینی احتمال تمایل نداشتن به فرزندآوری دارند. وضعیت اشتغال زنان تنها متغیری است که تأثیر تعیین‌کننده‌ی معنی‌داری در پیش‌بینی کسر برتری متغیر وابسته ندارد. به بیان دیگر، با افزایش سطح تحصیلات زنان، احتمال نبود تمایل به داشتن فرزند افزایش می‌یابد، هرچند در میان زنان با تحصیلات فوق دیپلم و بالاتر این رابطه معنی‌دار نیست. نتایج همچنین نشان می‌دهد که احتمال تمایل نداشتن به فرزندآوری در میان زنان متولد شهر ۲۹/۵ درصد کمتر از زنانی است که خاستگاه روستایی دارند.

جدول ۵. پیش‌بینی احتمال تمایل نداشتن به فرزندآوری در میان زنان کرد همسر دار ۴۹-۱۵

ساله‌ی شهر مهاباد با استفاده از مدل رگرسیون لجستیک

مدل ۳		مدل ۲		مدل ۱		متغیر مستقل	
Exp(B)	Sig	Exp(B)	Sig	Exp(B)	Sig		
						کم (مرجع)	استقلال زنان
۲/۰۳۳	**	۲/۲۴۸	**	۲/۴۱۳	**	متوسط	
۲/۶۴۴	**	۲/۴۷۱	**	۳/۵۵۴	**	زیاد	
						کم (مرجع)	گرایش به ترجیح جنسی
۰/۶۵۹	NS	۰/۶۹۴	NS	۰/۷۴۵	NS	متوسط	
۰/۶۰۱	NS	۰/۷۷۵	NS	۱/۰۰۶	NS	زیاد	
						کم (مرجع)	تقدیرگرایی در رفتار باروری
۰/۷۷۰	NS	۰/۶۶۰	NS	۰/۷۱۹	NS	متوسط	
۰/۵۵۲	NS	۰/۴۹۳	*	۰/۵۸۹	NS	زیاد	
						منفی (مرجع)	نگرش نسبت به اشتغال زنان
۱/۴۶۰	*	۱/۴۴۰	*	۱/۴۴۹	*	میان‌رو	
۱/۱۰۰	NS	۱/۱۴۶	*	۱/۳۶۶	*	مثبت	
						غیرخوشاوند (مرجع)	نسبت فامیلی با همسر
۱/۰۹۱	NS	۰/۸۷۸	NS	۰/۷۰۵	*	خوشاوند	
						بی سواد (مرجع)	وضع سواد و سطح تحصیلات
۰/۹۹۴	NS	۰/۶۶۵	*			ابتدایی	
۰/۹۳۶	NS	۰/۵۱۰	*			راهنمایی و متوسطه	
۰/۶۹۱	NS	۰/۴۱۲	NS			فوق‌دیپلم و بالاتر	

مدل ۳		مدل ۲		مدل ۱		متغیر مستقل	
Exp(B)	Sig	Exp(B)	Sig	Exp(B)	Sig		
						روستا (مرجع)	خاص‌گاه
۰/۷۸۰	ns	۰/۷۰۵	*			شهر	
						غیرشاغل (مرجع)	وضعیت اشتغال
۱/۰۳۱	ns	۰/۸۱۰	ns			شاغل	
						کمتر از ۲۵ سال (مرجع)	سن در هنگام بررسی
۱/۷۵۱	**					۲۵-۳۴	
۳/۶۳۵	**					۳۵-۴۴	
۵/۱۲۸	**					۴۵ و بالاتر	
						بدون فرزند (مرجع)	تعداد فرزندان در حال حاضر زنده
۳/۴۹۱	**					۱ تا ۲ فرزند	
۴/۷۲۶	**					۳ فرزند و بیشتر	
۰/۲۳۹ *		۲/۵۸۹ ns		۱/۰۴۸ ns		مقدار ثابت	
۷۱/۹		۶۳/۷		۶۲/۹		درصد درستی	
۱۵۹/۲۹۹ **		۵۸/۶۰۱ **		۳۹/۱۴۰ **		Chi-Square	
۷۹۱/۱۲۰		۸۹۱/۸۱۹		۹۱۱/۲۷۹		-2 Log Likelihood	
۰/۲۷۴		۰/۱۰۸		۰/۰۷۳		Nagelkerk R Square	

\*: معنی‌دار در سطح ۰/۰۵    \*\*: معنی‌دار در سطح ۰/۰۱    ns: غیر معنی‌دار

در مدل سوّم، دو متغیر سن زن در هنگام بررسی و شمار فرزندان در حال حاضر زنده به عنوان متغیرهای جمعیتی که نقش کلیدی در تمایل یا بی تمایلی زنان برای فرزندآوری دارند، وارد تحلیل رگرسیونی شدند. با ورود این دو متغیر به تحلیل، برخی از متغیرهای فرهنگی و اقتصادی - اجتماعی مثل تقدیرگرایی در رفتار باروری، نسبت فامیلی با همسر، وضع سواد و سطح تحصیلات زنان و خاستگاه که در مدل شماره ۲ تأثیر معنی داری در پیش بینی احتمال تمایل نداشتن به فرزندآوری داشتند، معنی داری خود را از دست دادند. با این وجود، بعضی متغیرهای فرهنگی مانند استقلال زنان و نگرش نسبت به اشتغال زنان در فعالیت های خارج از منزل همچنان رابطه ی معنی دار خود را حفظ کرده اند. در کنار مشخصه های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی، متغیرهای جمعیتی وارد شده در همه ی سطوح رابطه ی معنی داری با متغیر وابسته دارند. نتایج نشان می دهد که با افزایش سن زنان، احتمال تمایل نداشتن به فرزندآوری افزایش و تمایل آنها به داشتن بچه کاهش می یابد. این نتایج در مورد متغیر شمار فرزندان در قید حیات نیز صدق می کند، زیرا زنانی که در زمان بررسی سه فرزند و بیشتر داشته اند،  $4/72$  برابر بیش از زنانی که فرزندی نداشته اند احتمال دارد که نخواهند بچه دار شوند. به طور کلی، آنچه که از نتایج تحلیل چند متغیره برمی آید این است که متغیرهای فرهنگی به تنهایی قادر به پیش بینی احتمال نبود تمایل به فرزندآوری نیستند. مقدار آماره ی Nagelkerk R Square در مدل شماره ۱

(۰/۰۷۳) گویای آن است که مشخصه‌های فرهنگی تنها ۷/۳ درصد تغییرات تمایلات فرزندآوری را تبیین می‌کنند. این امر دو دلیل عمده دارد؛ ۱- همه‌ی عوامل فرهنگی تبیین‌کننده‌ی تمایلات فرزندآوری تنها محدود به متغیرهایی نمی‌شود که در این مقاله به آنها پرداخته شده است؛ ۲- نمی‌توان منکر تأثیر تعیین‌کننده‌های اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی در کنار ویژگی‌های فرهنگی در تمایلات فرزندآوری زنان بود. مقدار آماره‌ی  $R$  Nagelkerk Square در مدل‌های شماره‌های ۲ و ۳ نشان می‌دهد که در تبیین تمایلات فرزندآوری زنان بررسی شده، ترکیبی از مشخصه‌های اقتصادی - اجتماعی، جمعیتی و فرهنگی تبیین بهتری به دست می‌دهد، به طوری که در مدل سوم مجموع متغیرهای بررسی شده توانسته‌اند ۲۷/۴ درصد تمایل نداشتن زنان به فرزندآوری را تبیین کنند. این نتایج، همسو با نتایجی است که حسینی (۱۳۸۷)، عباسی شوازی و حسینی (۱۳۸۷) در آزمون فرضیه‌های رقیب برای تبیین تفاوت‌های قومی باروری در شهرستان ارومیه به دست آوردند. استدلال آنها این بود که اتخاذ یک رویکرد ترکیبی برای تبیین رفتارهای باروری گروه‌های قومی، تبیین بهتری در مقایسه با رویکرد همانندی مشخصه‌ها و تبیین هنجاری - فرهنگی به دست می‌دهد.

#### ۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

مطالعات مختلفی برای بررسی تمایلات فرزندآوری زنان در ایران صورت گرفته است که همه‌ی آنها به نتایجی مشابه رسیده‌اند. با این حال،

با توجه به زمینه‌های متنوع قومی - فرهنگی در ایران و نیز این واقعیت که گروه‌های قومی مختلف با پیش‌آمدگی‌های متفاوت در معرض تأثیر نیروهای نوسازی و توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی قرار گرفته‌اند، انجام بررسی‌های زمینه‌ای در بسترهای گوناگون اجتماعی - فرهنگی می‌تواند نتایج ارزشمندی برای سیاست‌گذاری‌های جمعیتی در مقیاس ملی و منطقه‌ای به دست دهد. رفتارهای باروری زنان بیش از آنکه تابع سیاست‌گذاری‌ها باشد، از زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی جامعه تأثیر می‌پذیرد. تجربه‌ی کاهش باروری در ایران در نیمه‌ی دهه‌ی ۱۳۶۰ و چهار سال قبل از اجرای عملی اولین برنامه‌ی ملی تنظیم خانواده در بعد از انقلاب اسلامی گواه این ادعاست. با وجود این، به نظر می‌رسد عوامل قومی - فرهنگی نقش تعیین‌کننده‌ای در تبیین تغییرات باروری و رفتارهای باروری زنان در مقایسه با عوامل غیر فرهنگی داشته باشند. تجربه‌ی هم‌زمان کاهش باروری در میان گروه‌های قومی یکسان با زمینه‌ها و بسترهای اقتصادی - اجتماعی و جمعیت‌شناختی متفاوت مؤید این ادعاست. بر این اساس، نویسندگان مقاله با تدارک یک رویکرد نظری و با تأکید بر نقش تعیین‌کننده‌ی عوامل فرهنگی درصدد تبیین تمایلات باروری زنان گُرد شهر مهاباد برآمدند.

برای اثبات این ادعا که مشخصه‌های فرهنگی تعیین‌کننده‌ی تمایلات فرزندآوری زنان است یا خیر، ناگزیر اثر مشخصه‌های اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی در رابطه‌ی عوامل فرهنگی و تمایلات فرزندآوری کنترل شد. نتایج



نشان داد که ۶۱/۴ درصد زنان واقع در سنین فرزندآوری که امکان باروری دارند، تمایلی به داشتن فرزند در آینده ندارند. بررسی تمایلات فرزندآوری زنان بر حسب شمار فرزندان در قید حیات نشان داد که ۳۹/۳ درصد زنان بدون فرزند یا صاحب یک فرزند، ۷۷/۷ درصد زنان صاحب دو تا سه فرزند و ۸۶ درصد زنان صاحب بیش از سه فرزند اظهار داشته‌اند که نمی‌خواهند فرزند دیگری داشته باشند. به بیان دیگر، تنها ۳۸/۶ درصد زنان تمایل دارند که در آینده بچه‌دار شوند. از میان آنها ۱۷/۶ درصد اعلام کرده‌اند که می‌خواهند در دو سال آینده فرزند دیگری داشته باشند. ۶/۴ درصد این زنان دو تا سه فرزند داشتند و ۳۲/۲ درصد هم بدون فرزند یا صاحب یک فرزند بوده‌اند. ۲۱ درصد زنان نیز اعلام کرده‌اند که بعد از دو سال دیگر می‌خواهند فرزند دیگری به دنیا بیاورند. عرفانی در بررسی‌های خود در تهران به این نتیجه رسید که ۴۰ درصد زوجین تهرانی قصد ندارند فرزند دیگری به دنیا بیاورند. در میان پاسخ‌گویان زوج‌هایی هم بودند که تحت هیچ شرایطی علاقه به داشتن فرزند یا فرزند دیگر نداشتند و ۳۴ درصد تک‌فرزندها و ۸۱ درصد دارندگان دو فرزند، دیگر هیچ فرزندی نمی‌خواهند. این بررسی نشان داد که زوجین حتی در صورت داشتن شرایط ایده‌آل زندگی هم راضی به داشتن بیش از دو فرزند نیستند (عرفانی ۱۳۹۲).

تحلیل‌های دو متغیره نشان داد که زنان بر حسب مشخصه‌های اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی‌شان، تمایلات فرزندآوری متفاوتی دارند و

در بیشتر موارد تفاوت‌ها از نظر آماری معنی‌دار است. به‌طور کلی، پای‌بندی به ارزش‌های خانواده‌ی بزرگ، وضعیت اشتغال زنان و شمار فرزندان زنده به دنیا آمده تنها متغیرهایی بودند که بر حسب آنها تفاوت معنی‌داری در تمایلات فرزندآوری زنان مشاهده نشد. با این حال، یکی از نتایج دور از انتظار در تحلیل‌های دو متغیره این بود که هر چند تمایلات فرزندآوری زنان بر حسب وضع سواد و سطح تحصیلات از نظر آماری معنی‌دار است، اما توزیع نسبی زنان بر حسب تمایلات فرزندآوری در سطوح مختلف تحصیلی برخلاف انتظار است. اصولاً، انتظار می‌رود تمایلات فرزندآوری در میان زنان باسواد کمتر از زنان بی‌سواد باشد. در حالی که حدود ۷۷ درصد زنان بی‌سواد اظهار کرده‌اند که تمایلی ندارند فرزند دیگری داشته باشند، بیش از ۴۲ درصد زنانی که تحصیلات فوق‌دیپلم و بالاتر دارند، گفته‌اند که قصد دارند در آینده فرزند دیگری به دنیا بیاورند. در تبیین این نتایج می‌توان گفت که عمده‌ی زنان بی‌سواد در سنین پایین‌تری ازدواج کرده و به گروه‌های هم‌دوره‌ی ازدواجی قدیمی‌تر تعلق دارند. در مقابل، زنان با تحصیلات فوق‌دیپلم و بالاتر بیشتر کسانی هستند که در سال‌های اخیر ازدواج کرده و کمتر از ۳۰ سال سن دارند. در نتیجه، با توجه به اینکه هنوز به شمار فرزندان ایده‌آل خود دست نیافته‌اند، انتظار می‌رود همچنان خواستار فرزندآوری باشند. یافته‌ها این ادعا را تأیید می‌کند. مطابق این بررسی، ۹۵/۶ درصد از زنان بی‌سواد و ۶۲/۴ درصد زنان با تحصیلات ابتدایی، ۳۰ سال و

بیشتر سن داشته‌اند، در حالی که اکثریت زنان با تحصیلات عالی (۴۲ درصد) کمتر از ۳۰ سال سن داشته‌اند. همچنین، ۳۷ درصد زنان بی‌سواد و ۴۶/۷ درصد زنان با تحصیلات ابتدایی ۳ فرزند و بیشتر داشته‌اند، بنابراین طبیعی است که نخواهند فرزند دیگری داشته باشند. در مقابل ۹۰ درصد زنان با تحصیلات عالی کسانی بوده‌اند که دو فرزند و یا کمتر داشته‌اند.

نتایج تحلیل چند متغیره نشان داد که اگر چه بیشتر مشخصه‌های فرهنگی تأثیر معنی‌داری در پیش‌بینی احتمال نبود تمایل به فرزندآوری دارند، اما سهم این متغیرها در تبیین تغییرات واریانس متغیر وابسته چشمگیر نبوده و تنها ۷/۳ درصد است. بررسی هم‌زمان تأثیر مشخصه‌های فرهنگی، اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی در پیش‌بینی احتمال بی‌تمایلی به فرزندآوری نشان داد که ترکیبی از مشخصه‌های فرهنگی، اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی نقش تعیین‌کننده و معنی‌داری در پیش‌بینی احتمال تمایل نداشتن به فرزندآوری در میان زنان دارند و ترکیبی از آنها در مجموع ۲۷/۴ درصد واریانس تمایلات فرزندآوری زنان را تبیین می‌کند. به طور کلی، زنانی که در تصمیم‌گیری‌های خانوار استقلال بیشتری دارند، نگرش متعادل‌تری نسبت به اشتغال زن در فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی خارج از منزل دارند، بیشتر از ۲۵ سال سن دارند و شمار فرزندان در حال حاضر زنده‌ی آنها سه فرزند و بیشتر است، بیشتر از زنان دیگر احتمال دارد که تمایل به فرزندآوری نداشته باشند. بر اساس این یافته‌ها باید گفت که مشخصه‌های فرهنگی تأثیر مستقل معنی‌داری

در تمایلات فرزندآوری زنان- دست کم در نمونه‌ی بررسی شده- ندارند. بنابراین، تبیین تمایلات فرزندآوری زنان در بسترهای گوناگون فرهنگی بدون توجه به زمینه‌های اقتصادی- اجتماعی و جمعیتی آنها نمی‌تواند تبیین درست و دقیقی از واقعیت مطالعه شده به دست دهد. این یافته‌ها همسو با نتایجی است که عباسی شوازی و حسینی در شهرستان ارومیه به دست آوردند. آنها نشان دادند که مشخصه‌های اقتصادی- اجتماعی زنان در مقایسه با مشخصه‌های فرهنگی آنها کاهش بیشتری در باروری زنان کرد و ترک موجب می‌شوند (عباسی شوازی و حسینی ۱۳۸۶: ۴۱-۵). سرایی نیز بر این باور است که با توجه به زمینه‌های گوناگون قومی- فرهنگی در جامعه‌ی ایران و با در نظر گرفتن این واقعیت که گروه‌های مذکور به شیوه‌های ناهمسانی در معرض تأثیر نیروهای نوسازی و توسعه‌ی اقتصادی- اجتماعی قرار گرفته‌اند، انتظار می‌رود نیروهای نوسازی در بسترهای گوناگون فرهنگی متفاوت عمل کنند (سرایی ۱۳۸۵: ۶۰-۳۷). بر اساس این نتایج، پیشنهاد می‌شود که:

- (۱) به جای تکیه‌ی صرف بر یک رویکرد نظری، از یک رویکرد ترکیبی برای تبیین رفتارها و تمایلات فرزندآوری افراد و خانوارها در بسترهای گوناگون اجتماعی- فرهنگی در جامعه‌ی ایران استفاده شود.
- (۲) مشخصه‌های فرهنگی افراد و خانوارها میانجی تأثیر نیروهای نوسازی و مشخصه‌های اقتصادی- اجتماعی و جمعیتی آنها در رفتارها و تمایلات

فرزندآوری‌شان است. بنابراین، انجام مطالعاتی با روش ترکیبی (کمی و کیفی) به منظور آگاهی از زمینه‌های فرهنگی تغییرات جمعیتی در بسترهای گوناگون قومی - فرهنگی ضروری است.

۳) با توجه به زمینه‌های متنوع قومی - فرهنگی جامعه‌ی ایران، انجام مطالعات زمینه‌ای در بسترهای گوناگون فرهنگی - اجتماعی با هدف آگاهی و شناخت از عوامل فرهنگی تغییرات جمعیتی، در اتخاذ سیاست‌های مناسب و متناسب با زمینه‌های قومی - فرهنگی جامعه‌ی ایران کمک مؤثری خواهد بود.

۴) با توجه به رابطه‌ی میان ساختار جمعیتی زنان در دامنه‌ی سنی تولید مثل و نیز شمار فرزندان در قید حیات آنها، بسته‌های تشویقی مولید بایستی معطوف به زوج‌های جوان بدون فرزند یا صاحب یک فرزند باشد.

۵) با توجه به کاهش چشمگیر تمایلات فرزندآوری زنان در جامعه‌ی بررسی شده و تأثیر آن در سطوح و روندهای باروری در آینده و در نتیجه تغییرات در ساختار جمعیت بررسی شده، اتخاذ تدابیری به منظور تسهیل ازدواج و تشکیل خانواده و تشویق زوج‌های جوان برای فرزندآوری یک ضرورت مهم در جمعیت بررسی شده، می‌باشد.

### منابع

- ◀ سزایی، حسن. «تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران»، *نامه‌ی انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال ۱، ش ۲، ۱۳۸۵.
- ◀ حسینی، حاتم. ۱۳۹۰. *جمعیت‌شناسی اقتصادی اجتماعی و تنظیم خانواده*، همدان، دانشگاه بوعلی سینا.
- ◀ حسینی، حاتم. قومیت و باروری: تبیین رفتارهای باروری زنان کُرد و تُرک شهرستان ارومیه، (رساله‌ی دکتری جمعیت‌شناسی، گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه تهران)، ۱۳۸۷.
- ◀ حسینی، حاتم و محمدجلال عباسی شوازی. «تغییرات اندیشه‌ای و تأثیر آن بر رفتار و ایده‌آل‌های باروری زنان کُرد و تُرک»، *پژوهش زنان*، دوره‌ی ۷، ش ۲، ۱۳۸۸.
- ◀ زنجانی، حبیب‌الله. «جمعیت و چون و چراهای آن»، *ماهنامه‌ی اقتصاد ایران*، سال ۱۳، ش ۱۴۳، ۱۳۸۹.
- ◀ عباسی شوازی، محمدجلال و عباس عسکری ندوشن. «تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران»، *نامه‌ی علوم اجتماعی*، ش ۲۵، ۱۳۸۴.
- ◀ عباسی شوازی، محمد جلال و حاتم حسینی. تفاوت‌های باروری قومیت‌های تُرک و کُرد در ایران: مطالعه‌ی موردی استان آذربایجان غربی، (طرح پژوهشی مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، دانشکده‌ی علوم اجتماعی)، ۱۳۸۷.
- ◀ عباسی شوازی، محمد جلال و حاتم حسینی. «قومیت و باروری: آزمون فرضیه‌های رقیب برای تبیین تفاوت‌های قومی باروری در شهرستان ارومیه»، *نامه‌ی انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ش ۴، ۱۳۸۶.
- ◀ عباسی شوازی، محمدجلال، میمنت حسینی چاووشی، پیتیر مک‌دونالد و بهرام دلاور ۱۳۸۳. *تحولات باروری در ایران: شواهدی از چهار استان منتخب*، معاونت سلامت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
- ◀ عرفانی، امیر. «زنگ خطر کاهش باروری در تهران به صدا درآمد»، *سایت*

دموگرافی، (۱۳۹۲).

- Abbasi-Shavazi, M.J., and P, McDonald. "National and Provincial-Level Fertility Trends in Iran 1972-2000", *Working Paper in Demography*, No. 94, Demography and Sociology Program, Research School of Social Sciences, Australian National University, 2005.
- Abbasi-Shavazi, M.J., and P, McDonald. "Fertility Decline in the Islamic Republic of Iran: 1972-2000", *Asian Population Studies*, Vol 2, No.3, 2006.
- Abbasi-Shavazi, M.J, and H, Hosseini 2008. Ethnic fertility differentials in Iran: trends and correlates, paper accepted for presentation in European Population Conference (EPC) 2008, Barcelona.
- Addai, I., and F, Trovato (1999), "Structural Assimilation and Ethnic Fertility in Ghana", *Journal of Comparative Family Studies*.
- Bongaarts, J., and S.C, Watkins. "Social Interactions and Contemporary Fertility Transitions", *Population and Development Review*, 22(4) 1996.
- Chamie, J. (1981), *Religion and Fertility: Arab Christian – Muslim Differentials*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Cleland, J., and C Wilson. "Demand Theories of the Fertility Transition; An iconoclastic View", *Population Studies*, 41, 1987.
- Day, L.H. "Minority Group Status and Fertility: a More Detailed Test of the Hypothesis", *The Sociological Quarterly*, 25, 1984.
- Fischer, N.A and J.P. Marcum. "Ethnic integration, socioeconomic status and fertility among Mexican-Americans", *Social Science Quarterly* 65(2), 1984.

- Goldscheider, G. and P.R, Uhlenberg. “Minority Group Status and Fertility”, *The American Journal of Sociology*, 79, 1969.
- Hammel, E.A. “A Theory of Culture for Demography”, *Population and Development Review*, 16(3), 1990.
- Hosseini-Chavoshi, M., P, McDonald., and M.J, Abbasi-Shavazi. “Fertility and Contraceptive Use Dynamics in Iran and its Low Fertility Regions”, Australian Demographic and Social Research Institute (ADSRI), (College of Arts and Social Sciences, Working Paper No.1, Australian National University, Canberra), 2007.
- Johnson, N.E. “Minority Group Status and the Fertility of Black Americans 1970: A New Look”, *American Journal of Sociology* 84(6), 1979.
- Kollehlon, K.T. “Religious Affiliation and Fertility in Liberia”, *Journal of Biosocial Science*, 26(3), 1994.
- Knodel, J., and E, Van de Walle. “Lessons from the Past: Policy Implication of Historical Fertility Studies”, *Population and Development Review* 5(2), 1979.
- Lopez, D.E., and G, Sabagh. “Untangling Structural and Normative Aspects of the Minority Status Fertility Hypothesis”, *American Journal of Sociology*, 83(6), 1978.
- Mcquillan, K. “When Dose Religion Influence Fertility?”, *Population and Development Review*, 30(1), 2004.
- Nai Peng, T (2002), “Socioeconomic and Ethnic Fertility Differentials in Peninsular Malaysia”, Presented at the IUSSP Conference on South-east Asia’s Population in Changing Asian Context, Bangkok.



- Population Reference Bureau (2011), The 2011 World Population Data Sheet, New York.
- Poston JR, L Dudley, C.F, Chang and H, Dan “Fertility differences between majority and minority nationality groups in china”, *Population Research and Policy Review*, 25, 2006.
- Ritchy, P.N. “The Effect of Minority Group Status on Fertility: An Re-examination of Concepts”, *Population Studies*, 29(2), 1975.
- Robert, E., & J.R, Kennedy. “Minority Group Status and Fertility: the Irish”, *American Sociological Review*, 38(1), 1973.
- Rosemary, S.C., Llyod, H.R, and S Enda. “Puertorican Fertility: An Examination of Social Characteristics, Assimilation and Minority Status Variables”, *Social Forces*, 59(4), 1981.
- Sly, D.F. “Minority Group Status and Fertility: An Extension of Goldscheider and Uhlenberg”, *American Journal of Sociology*, 76(3), 1970.
- Spenshade, T.J, and Ye, W. “Differential fertility within an ethnic minority: The effect of «Trying Harder» among Chinese-American women”, *Social Problem*, 41(1), 1994.